

## پایان فرار جنون آمیز دزدان در کوچه بن بست!

**سجادپور** -زن و مردی که اموال سرقتی زیادی را با خودروی پیکان حمل می کردند، در حالی با تیزهوشی نیروهای کلانتری شقای مشهد به دام افتادند که فرار جنون آمیز آنان در یک کوچه بن بست به پایان رسید، به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، نیروهای گشت کلانتری شفا که از ابتدای سال جاری چندین باند بزرگ سرقت را متلاشی کرده اند، هنگام انجام وظیفه در خیابان شهید رستگاری مقدم به سر نشینان یک دستگاه پیکان مشکوک شدند که به طرز مشکوکی اطراف خودروی پایبند، وقتی نیروهای گشت نامحسوس برای بررسی موضوع به پیکان نزدیک شدند

ناگهان راننده جوان پدال گاز را فشر دو به طرز وحشتناکی در خلاف جهت حرکت خودروها گرفت. نیروهای انتظامی نیز بی درنگ با دستور قاطع سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفا) به تعقیب زن و مرد پیکان سوار پرداختند تا این که بعد از مدتی تعقیب و گریز بالاخره آنان را در یک کوچه بن بست به دام انداختند ولی باز هم پیکان سواران، خودرو را رها کردند و قصد داشتند با ورود به منازل مردم، از چنگ پلیس بگریزند اما نیروهای ورزیده گشت، هر دو متهم را دستگیر و به کلانتری هدایت کردند. در بازرسی از داخل خودرو، پمپ آب، مقادیر زیادی کابل، لاستیک و ابزار خودرو به همراه

لوازم مربوط به ساختمان های در حال احداث کشف شد اما متهمان به تناقض گویی پرداختند و مدعی شدند از سرقتی بودن لوازم داخل خودرو اطلاعی نداشتند. از سوی دیگر بررسی های تخصصی نشان داد که زن و مرد جوان نسبتی با یکدیگر ندارند و از سارقان حرفه ای و سابقه داری هستند که قبلا نیز توسط عوامل انتظامی دستگیر شده اند. زن ۴۰ ساله در بازجویی ها گفت: من در منطقه امیریه و تنها زندگی می کنم چرا که از خانواده ام قهر کرده ام. امروز هم برای صرف ناهار به همراه مرد پیکان سوار به پارک رفته بودیم که دو نفر آمدند و لوازم را نزد ما گذاشتند تا آن ها را برای خرید

## پلیسی ((گر به مخوف)) را شکار کرد

**تجاوز به عنف، قتل غیر عمد و گوشی قاپی برخی از اتهامات این تبهکار خطرناک است**

**سید خلیل سجادپور** - تبهکار ۲۲ ساله معروف به «گر به» که به اتهامات مختلف تحت تعقیب پلیس بود در حالی روی تخت بیمارستان دستگیر شد که یک هفته قبل نیز پاکبان مشهدی را در سانحه رانندگی به کام مرگ فرستاد. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در پی وقوع چندین فقره گوشی قاپی های خطرناک در شمال شهر مشهد، تحقیقات گسترده ای توسط نیروهای کلانتری پنجتن آغاز شد و همه سرخ های پلیسی به تبهکار خطرناک معروف به «گر به»، سید اما هیچ اثری از این دزد سابقه دار به دست نیامد. از سوی دیگر با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع و با تاکید سر تیپ دوم احمد نگهبان (جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی) گروهی تخصصی از افسران دایره تجسس و اطلاعات کلانتری با هدایت مستقیم سرهنگ جعفر خانی (رئیس کلانتری پنجتن) وارد عمل شدند تا با گسترش دامنه تحقیقات و به کارگیری منابع و مخبران محلی، هرچه سریع تر این تبهکار مخوف را دستگیر کنند. در همین حال چند شاخه اطلاعاتی و عملیاتی به رصدهای پلیسی پرداختند و تصاویری از «گر به مخوف» را در اختیار نیروهای گشت انتظامی قرار دادند. بنابر گزارش روزنامه خراسان، در حالی که گروهی از نیروهای اطلاعاتی مراکز درمانی را به منظور شناسایی تبهکاران و مجرمان فراری زیر نظر داشتند حدود یک هفته قبل خبر وقوع سانحه وحشتناک رانندگی در بزرگراه شهید میرزایی (فجر) نیروهای انتظامی را به محل وقوع حادثه کشاند.

بررسی های مقدماتی نشان داد جوان موتورسواری که با سرعت دلپره آوری در بزرگراه فجر حرکت می کرد به دلیل از دست دادن کنترل موتور سیکلت با پاکبان زحمت کش شهرداری برخورد و او را نقش بر زمین کرده است. دقایقی بعد امدادگران اورژانس دو مصدوم این حادثه و وحشتناک را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد انتقال دادند اما پهریزی نیاز (پاکبان) بر اثر شدت جراحات و صدمات جان خود را از دست داد و «سجاد-ف» (موتور سوار ۲۲ ساله) تحت

### دزدگیر بی صدا سارقان را به دام انداخت

**سجادپور** - دو سارق سابقه دار که مشغول دستبرد به فروشگاه لوازم خانگی بودند در حالی به دام دزدگیر بی صدا افتادند که مال باخته از طریق دوربین مدار بسته به صحنه سرقت می نگریست.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، مردی هراسان و سر اسیمه با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از دستبرد سارقان به فروشگاه لوازم خانگی اش خبر داد. او گفت: از طریق گوشی تلفن همراهم، دوربین های مدار بسته را بررسی می کردم که ناگهان دزدگیر فروشگاه فعال شد و جوانی را دیدم که کرکره را بالا داده و داخل مغازه رفت. چون سیستم دزدگیر درون فروشگاه بی صدا بود او متوجه ماجرا نشد و من هم بلافاصله قفل کرکره برقی را زدم و دزد را به دام انداختم. در همین حال و با کسب این خبر، بلافاصله گروهی از افسران گشت انتظامی با دستور شبانه سرهنگ جواد یعقوبی (رئیس کلانتری سپاد) عازم بولوار توس شدند و با موتورسواری برخورد کردند که با دیدن خودروی پلیس پا به فرار گذاشت. نیروهای انتظامی با مشاهده این صحنه و دادن اخطارهای قانونی، چند تیر هوایی نیز شلیک کردند اما دزد ۲۰ ساله همچنان به فرار خود ادامه می داد تا این که بالاخره از چند مسیر محاصره شد و حلقه های قانون بر دستانش گره خورد. از سوی دیگر گروهی از نیروهای تجسس نیز وارد فروشگاه شدند و همدست او را که با قفل شدن کرکره های برقی، در دیواره های قفس گونه به دام افتاده بود، به کلانتری انتقال دادند. دقایقی بعد بازجویی از دو سارق سابقه دار معتمد در حالی آغاز شد که بررسی ها نشان داد موتور سیکلت متهمان نیز سرقتی است، بنابراین، عوامل انتظامی با دستور قضایی مخفیگاه آنان را نیز شناسایی و بازرسی کردند که در این بازرسی تعدادی شیرآلات و لوازم منزل کشف شد. تحقیقات تخصصی افسران دایره تجسس کلانتری سپاد برای کشف سرقت های احتمالی دیگر دزدان جوان ادامه دارد.

### کشته های ازدحام در آیین مذهبی هند به ۱۲۱ نفر رسید



**ایرنا**- مقام های محلی هند اعلام کردند که دست کم ۱۲۱ نفر از جمله ۱۰۶ زن و هفت کودک پس از ازدحام جمعیت در یک مراسم مذهبی در هاتراس اوتار پرداش این کشور کشته شدند. به گزارش روز چهارشنبه ایرنا از تارنمای خبری شبکه تلویزیونی دهلی نو، این ازدحام روز گذشته در جریان یک جلسه دعای جمعی (موسوم به ساتسنگ) که هزاران نفر در آن شرکت کردند، رخ داد.

در امتداد تاریکی

### زاهد ریایی!

زن ۴۱ ساله که با اصرار به طلاق مدعی بود دیگر نمی تواند با یک «زاهد ریایی» به زندگی مشترک خود ادامه دهد در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت: ۱۹ ساله بودم که به طور سنتی با عبدالرحمان از دواج کردم، او نجار بود و مرا خیلی دوست داشت. با وجود آنکه ۴۰ سال دوران نامزدی ما طول کشید چرا که در این مدت با کار و تلاش شبانه روزی نامزد و من خیاطی خانگی من، من زنی نقلی با وام و قرض خریدیم و مجبور شدیم زندگی مشترکمان را به تاخیر ببندازیم.

خلاصه در ۲۴ سالگی اولین فرزندم به دنیا آمد و دو سال بعد هم محبت خداوند دوباره شامل حالم شد و پسر دیگرم قدم به این دنیا گذاشت. روزهای شیرینی را با این ازدواج عاشقانه سپری می کردم تا این که ناگهان سیاه پوش شدم و همسر باوفایم را در یک حادثه رانندگی از دست دادم. اگرچه خانواده ام مرا زیر بال و پرشان گرفتند و حمایتم کردند اما مهربانی های عبدالرحمان را هیچ گاه نمی توانستم فراموش کنم. در این مدت خواستگاران زیادی داشتیم اما هیچ کدام را نمی توانستم جایگزین عبدالرحمان کنم. البته بسیاری از آنان هم با اهداف خاصی قصد ازدواج با مرا داشتند. برخی پیرمرد بودند و مرا برای راهی از تنهایی می خواستند و عده ای هم که پولدار بودند به قصد خوشگذرانی و کارگری در منزلشان می خواستند با من ازدواج کنند اما در این میان، زنی مرا برای شوهرش خواستگاری کرد که هر روز نماز مغرب و عشاء را مسجد نزدیک کارگاه خیاطی من اقامه می کرد. آن زن مدعی بود بیمار است و نمی تواند وظایف همسری اش را به خوبی انجام دهد! به این دلیل قصد دارد همسری با اصل و نسب برای شوهرش انتخاب کند! من هم که ظاهر آن مرد تسبیح به دست را می دیدم خیلی زود موضوع را با خانواده ام در میان گذاشتم چرا که احساس می کردم او با ایمان و مردی زاهد است تا حدی که همسرش مرا خواستگاری کرد. خانواده ام نیز به این ازدواج رضایت دادند و معتقد بودند که حتی شستن لباس های چنین فردی با ایمانی ثواب دنیوی و اخروی دارد ولی خواهرم مخالفت کرد و اعتقاد داشت که امکان ازدن زن با صمیم قلب برای شوهرش به خواستگاری برود و با هوو زندگی کند. خلاصه با همه این حرف و حدیث ها من با آن مرد ۵۰ ساله در حالی ازدواج کردم که او ماجرای عقد موقت مرا از پدر و مادر خودش پنهان کرده بود. طولی نکشید که آن روی سکه نمایان شد و من به راز عجیبی پی بردم. «حشمت» نه تنها به نماز اهمیتی نمی داد، بلکه واجبات دیگر دینی خودش را هم جدی نمی گرفت. او فقط با ظاهری فریبنده به مسجد می رفت و خودش را به عنوان مردی مذهبی و دیندار در میان اهالی جازده بود به گونه ای که برای نماز و روزه های قضا از دیگران پول می گرفت تا واجبات را برای در گذشتگان آن ها انجام دهد ولی او را گونه، مردم را فریب می داد و پول هارا بصرف خوشگذرانی می کرد. زمانی فهمیدم که او تاکنون بیش از ۱۵ زن را به عقد موقت خودش در آورده است که خیلی دیر شده بود. او حتی بسته های معیشتی و کمک های اهالی را که برای رساندن به نیازمندان می گرفت، به اطرافیان خودش می داد و بسیاری از آن ها را رانیز به بهانه کمک به زنان بی سرپرست نیازمند به افرادی می داد که در عقد موقت خودش بودند. در عین حال طوری رفتار می کرد که خیلی از اهالی به او اعتماد و اطمینان کامل داشتند و در ظاهر مردی خیر بود که فقط برای گره گشایی از مشکل مردم فعالیت می کرد.

وقتی به هوویم اعتراض کردم که چرا به خواستگاری ام آمده است، ادعا کرد: دیگر از رفتارهای ریاکارانه او خسته شده بودم ولی به خاطر حفظ آبرویم چیزی نمی گفتم تا این که «حشمت» شرط گذاشت اگر زنی با اصل و نسب و شاغل را برایش خواستگاری کنم، مرا بی سر و صدا طلاق می دهد! این بود که برای رهایی خودم از این وضعیت ناپسامان و تاسف بار به سراغ توأمدم چرا که تواز طریق خیاطی خارج زندگی خود، راتامین می کردی و صاحب خانه و زندگی بودی! با شنیدن این حرف ها اشک می ریختم و از این که به راحتی فریب ظاهر سازی مردی بی ایمان را خورده ام، بسیار نگران بودم. مدتی بعد هیئت امنای مسجد و برخی دیگر از اهالی محل در جریان رفتارهای ناشایست «حشمت» قرار گرفتند و او محل سکونت خود را به مکان دیگری انتقال داد. شوهر من تنها چهار زن زندگی مرا نمی داد، بلکه تا نزدیک ظهر خواب بود و بعد از آن هم با پرسه زنی در فضای مجازی اوقات خودش را سپری می کرد تا هنگام اذان مغرب و عشا به مسجد برود! در طول چند سال زندگی مشترک به بهانه های مختلف همه در آمد و حتی وام های قرض الحسنه ای را از من می گرفت که من باید برای پرداخت اقساط آن شبانه روز خیاطی می کردم و اکنون حاضر نیست هزینه های زندگی را بهر پدر و دم و دم محل سکونتش را تغییر می دهد. این در حالی است که او به قول خودش نیز برای طلاق هوویم عمل نکرد.

حالا هم که من قصد طلاق دارم، هوویم با التماس از من می خواهد از این تصمیم منصرف شوم چرا که می گوید من در کنار تو احساس آرامش می کنم! اما ای کاش... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بررسی های قانونی و اقدامات مشاوره ای برای حل مشکلات این زن جوان با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شقای مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد تا شاید سر نوشت او به گونه ای دیگر رقم بخورد.

**ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

به مرگ به من تعرض کرد و آن جا گرفت. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است هنوز بررسی های پلیس، با صدور دستورات خاصی از سوی سردار نگهبان برای واکاو ی جرایم هولناک این تبهکار بی رحم ادامه داشت که مال باختگان زیادی وارد کلانتری پنجتن شدند و گوشی قاپ حرفه ای را شناسایی کردند. در همین حال کنکاش های تخصصی

نیروهای انتظامی در باره دیگر جرایم این دزد سابقه دار بیانگر آن بود که وی مدتی قبل به جرم گوشی قاپی های متعدد دستگیر و با سپردن وثیقه ۳ میلیارد تومانی به طور موقت از زندان آزاد شده است.

به گزارش روزنامه خراسان، متهم خطرناک این پرونده که مدعی است به خاطر شکل ظاهری چشمانش به «گر به» شهرت دارد، به تعداد زیادی گوشی قاپی در مناطق احمدآباد، پنجتن، گلشهر، طلاب و... اعتراف کرد که تاکنون حدود ۱۱ تن از مال باختگان وی را شناسایی کرده اند. «گر به مخوف» که خالکوبی های بسیاری نیز دارد و ادعا می کند اکنون فقط به قرص های مخدر دار آلوده

است، با دستور مقام قضایی در بازداشت به سر می برد. شایان ذکر است او پرونده های دیگری در شعبه دوم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی دارد که زیر نظر قاضی حسین امام وردی در حال رسیدگی است.

#### با کشف انبار بزرگ داروهای غیرمجاز در مشهد لورفت

## سودجویی با تهدید سلامت مردم!



رحمانی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) به این انبار بزرگ وارد شدند و مجموعه ای از کارتن های حاوی دارو و عرقیجات سنتی را مشاهده کردند که روی یکدیگر تلنبار شده بودند. با توجه به گستردگی و تعداد زیاد اقلام غیر مجاز دارویی، شمارش آن ها به طول انجامید و به همین دلیل نیز با دستور مقام قضایی این مکان در حالی پلمب شد که امروز این ماجرا با حضور کارشناسان سازمان غذا و دارو مورد بررسی های ویژه قرار می گیرد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است از سوی دیگر تحقیقات مقدماتی بیانگر آن است که عده ای از سودجویان با تهدید سلامت و بهداشت مردم، در حال زراندوزی هستند که واکاوی های تخصصی در این باره زیر نظر سروان مصطفی حسنی (رئیس پاسگاه انتظامی فردوسی) آغاز شده است.



عکس ها اختصاصی خراسان



### کلاهبرداری میلیاردی با همراه بانک جلی

ادامه پرونده را جهت ادامه رسیدگی به مرجع قضایی ارسال کردند. این مسئول انتظامی در این زمینه به شهروندان تاکید کرد: برای دانلود و خدمات بانکی ارائه مورد نیاز خود صرفا از سایت رسمی بانک مربوطه اقدام کرده و علاوه بر این که بر نامه های کاربردی را از فروشگاه های نرم افزاری معتبر دریافت می کنند حتما از صحت نشانی مطمئن شوند و در هنگام جست جودر مرورگرها اطمینان حاصل کنند.

همراه بانک و دانلود آن از یک سایت ناشناس و نصب و ارائه کلید دسترسی ها به برنامه مذکور متوجه می شود این اپلیکیشن نه تنها خدمات بانکی ارائه نمی دهد، بلکه کل موجودی اش بالغ بر پنج میلیارد ریال را نیز برداشت کرده است. سرهنگ عمار قهاری افزود: کارشناسان پلیس فتا در خصوص احقاق حق این شهروند به سرعت وارد عمل و با تحقیقات تخصصی موفق شدند این پنج میلیارد را به حساب شاکی برگردانند و در

توکلی- فردی که از طریق همراه بانک جلی اقدام به برداشت ۵ میلیارد ریال از حساب یک شهروند کرمانی کرده بود، شناسایی و به مرجع قضایی معرفی شد. به گزارش خراسان، رئیس پلیس فتای استان کرمان بیان کرد: شهروندی با مراجعه حضوری در پلیس فتا و ارائه شکوایه ای تحت عنوان برداشت غیرمجاز از حساب بانکی اش، با بررسی های کارشناسان این پلیس، مشخص شد این فرد با جست و جوی اپلیکیشن